

# تاج کاغذی

نگاهی تازه به اشعار فروغ

زهرا حسینی

|                      |                                                        |
|----------------------|--------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | : حسینی، زهرا، ۱۳۴۰-                                   |
| عنوان و نام پدید آور | == تاج کاغذی (نگاهی تازه به اشعار فروغ) / زهرا حسینی . |
| مشخصات نشر           | == البرز (کرج): زهرا حسینی، ۱۳۹۰.                      |
| مشخصات ظاهری         | : ۱۴۴ص.                                                |
| شابک                 | : ۸۰۰۰۰ ریال . ۱- ۷۴۲۱-۰۴-۹۶۶-۹۷۸                      |
| وضعیت فهرست نویسی    | : فیبا                                                 |
| یادداشت              | : کتابنامه .                                           |
| موضوع                | : فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳-۱۳۴۵-- نقد و تفسیر .              |
| موضوع                | : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد .                 |
| رده بندی کتبی        | : ۱۳۹۰ ت ۵ ح / PIR ۸۱۶۴                                |
| رده بندی یوبی        | : ۸ / ۱ / ۶۲ فا                                        |
| شماره ی کتابخانه ملی | : ۲۴۱۶۴۱۱                                              |

نام کتاب : تاج کاغذی (نگاهی تازه به اشعار فروغ)

پدید آورنده : زهرا حسینی

ناشر : مؤلف

طراح جلد : مصطفی سروریان

چاپ اول : بهار ۱۳۹۳

شمارگان : ۱۵۰۰

چاپ : نگاران شهر

بها : ۸۰۰۰ تومان

شابک : ۱- ۷۴۲۱-۰۴-۹۶۶-۹۷۸

نشانی : البرز، کرج، میدان سپاه، خ بوستان، نبش یاس، پلاک ۳۵

کد پستی : ۳۵۶۱۴۱۱۱-۳ تلفکس : ۰۲۶-۳۴۴۰۴۱۷۲

نشانی الکترونیکی : Hosseini\_z 90 @ yahoo.com

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشر محفوظ است (نقل مطالب بلا ذکر مأخذ بلامانع است).

## فهرست مطالب

صفحه

سخنی با خواننده..... ۵

### بخش ۱

#### بررسی محتوایی گزیده هایی از کتاب تولدی دیگر

در آبهای سبز تابستان..... ۱۱

میان تاریکی..... ۱۸

بر او ببخشائید..... ۲۲

دریافت..... ۲۵

س..... ۲۹

سیرافان از دیوارهای مرز فروغ..... ۳۱

معشوق..... ۳۷

در غرویی..... ۴۱

هدیه..... ۵۰

دیدار در شب..... ۵۱

وهم سبز..... ۶۳

فتح باغ..... ۷۲

من از تو می مردم..... ۷۸

### بخش ۲

#### نگاهی تازه به کتاب ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد

ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد..... ۸۳

بعد از تو..... ۱۲۰

پنجره..... ۱۲۶

دلم برای باغچه می سوزد..... ۱۳۲

پیوست..... ۱۳۹

کتابنامه..... ۱۴۳

## به نام خداوند جان و خرد

### سخنی با خواننده

نامت سپیده دمی است که بر پیشانی آسمان می گذرد

— متبرک باد نام تو!

و ما هجران

دوره می کشیم

شب را و روز را

هنوز را ...<sup>۱</sup>

در باره ی شعر و روش فرخزاد، بسیار مطالب گفته و نوشته شده است. این مجموعه قصد تکرار شناسایی و گفته ها را ندارد، بلکه سعی بر آن داشته است که برای شناختن فروغ، تنها به اشارات و برخی نامها و مصاحبه های او استناد کند. مجموعه ی حاضر شامل دو بخش بررسی و ترغیبات نسبتاً متفاوتی است، اما یک هدف مهم را دنبال می کند و آن هم دستیابی به افکار شاعرانه ی فروغ و نگاهی تازه به اندیشه های او می باشد.

بررسی اشعار فروغ برای من از یک کار دانشجویی سر و سامان ندارد، اما دیگر هرگز تمام نشد. "عناصر زنانه در شعر فروغ" عنوان آن پژوهش بود که در این مجموعه ترجیح دادم که آن را حذف کنم. زیرا فکر می کنم این عنوان بیست سال پیش می توانست موضوع نویی به نظر برسد، اما اکنون همه با این عناصر آشنا هستند. در این مورد، فروغ در مصاحبه ای می گوید که قصدی در این کار ندارد و اگر شعر او توأم با عاطفه و احساس زنانه است، فقط به این دلیل ساده است که او یک زن است و به دنیا از دریچه ی نگاه یک زن می نگرد.

(۱) دیوان اشعار فروغ فرخزاد، ص ۵۳.

از آنجایی که شاعر صادقی است و صورتک به چهره و احساس خود ندارد ، سخنانش را با صمیمیت و بلا توانایی باشکوهی از مهربانی و لطافت زنانه پربار می کند و به خواننده ارائه می دهد .

بیش تر اشعار فروغ اجتماعی ترین و انسانی ترین شعرِ معاصر است و به مسائل مختلف با زاویه ی وسیعی نگریسته است و حرفی برای گفتن و پیامی برای شنیدن ندارد . ناگفته نماند که در قرتِ اخیر ، محرومیت های اجتماعی و نبودن آرامش و احساس پایدار ، کل جامعه را تحت الشعاع قرار داده بود ، اما زنان این محرومیت ها را دور و ابرو حساب می کردند .

هر چند فروغ نگاهی انسانی به مجموعه ی عوامل زندگی و جهان دارد ؛ اما به دلیل محرومیت و ورنج این مافوق ذکر زنان و مادران در طول تاریخ ، گاهی ناخود آگاه در کنار این قرار می گیرد و می خواهد بانگ هستی خود ( زن و انسان بودن ) باشد .

در عمق شعر او معصومیت کرشمه ای تصویرهای بدیعی از دنیای پیرامون و ارتباط های اجتماعی نارس را ارائه می دهد او در اوج شعور انسانی پنجره ی معصومانه و صادقی را انتخاب کرده است به آن که چنین راستگویی و صداقت چقدر به ضررش تمام می شود ، نمی اندیشد .

قلب شعر او قلب معصومانه ی مردمی است که حلقه ی صلحت فردی را نمی شناسند و حتی در آخرین ضربه هایش از عشق الهی آن فراق گمگشته در ذهن بشر امروز سخن می گوید ؛ پرواز را به خاطر بسپار ....

او مطلقاً احساس های سطحی و رشد نیافته را در شعرش نمی پسندد و در آن آینه ای شفاف از محرومیت ها و آرزوهای انسانی که در اوج فهم و درک و احساس تنهاست ، ارائه می دهد و به قول خودش در بیابان ایستادن و فریادزدن و

جوابی نشیندن و به این کار ادامه دادن قدرت و ایمانی خلل ناپذیر و مافوق بشری می خواهد .

تأثر او از بحران های جامعه ی دوران خود ، از فروغ یک شاعر اجتماعی ساخته است . او معتقد است که اصلاً شعر، اگر به محیط و شرایطی که در آن به وجود می آید و رشد می کند بی اعتنا بماند ، هرگز نمی تواند شعر باشد.

بخش اول این مجموعه به بیان محتوایی سیزده شعر (نمادی از سال تولد فروغ ۱۳۱۳) از درخشانترین اشعار او ، از کتاب "تولد دیگر" می پردازد. چرا که شعر فروغ شعر محتوایی است نه فرم .

محتوا و مضامین مهم ترین و اصلی ترین ارکان شعر امروز است و شعر فروغ سرشار از عمق و شرافت و درخشش زندگی است . از نگاه او اندیشه های انسانی و مسائل اجتماعی صمیمانه بیان می شود و علت تأثیرگذاری شعرش نیز همان بیان صمیمی و صادقانه ی مسائل اشعار او با همه ی سادگی و روانی تقلید ناپذیر است و یا به عبارتی سهل و ممتنع.

او در باره ی محتوا و مضمون چنین می گوید: "... چیزی که در یک شعر مطرح است فرم و قالبش نیست ، محتوایش است . هر محتوای یک شعر، آن محتوایی باشد که من در دوره ی خودم احساس کنم که می توانم با آن ارتباط داشته باشم بنابر این صد در صد شعر است "۱.

"... من بیشتر به محتوا توجه دارم ... اصل قضیه فکر است و محتوا ... "۲  
" ... در عین حال نمی شود برای محتوای شعر، فرمول مشخصی نوشت . یعنی نوشت که تمام شعرها باید مسائل کلی و عمومی باشند . مسئله این است که آدم چطور به مسائل خصوصی خود نگاه می کند و یا به مسائل عمومی . این "دید"

(۱) در غروب ابدی، ص ۱۵۲ .

(۲) همان ، صص ۱۷۱- ۱۷۲ .

شاعر است که محتوای کارش را خیلی خصوصی و فردی می کند و یا به مسائل خیلی خصوصی و فردی او جنبه ی عمومی می دهد<sup>۱</sup>.

او باشناختن تصاویر رنج‌دیده و زخم خورده ی درگذشتگان که در ناخودآگاه ما انباشته اند به دانایی راستین و منبع الهام حقیقی دست می یابد و در تولدی دیگر به خودشناسی و خودیابی می رسد و سعی می کند که خود را رشد دهد و بدین ترتیب مرحله ی کشف و شهود را، که در آغاز درک دستورهای ناخودآگاهش قرار دارد، تجربه می کند؛ در ادامه کشف و شهود را چنان در خود پرورش می دهد که سراپا معنویت و عشق می شود.

خواننده ی شعر امروز اگر در شعر پیام و محتوا را جستجو نکند، از لذت معنوی آن برخوردار نخواهد شد. این فصل گام کوچکی در راه بررسی محتوایی اشعار فروغ برداشته است.

بخش دوم، در نگاهی تازه به کتاب "ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد"، سعی بر آن بوده است که به افکار شاعران و شاعران دست یابیم و نگاهی تازه به اندیشه های هوشمندانه ی شاعری بیندازیم، که راه هنری خود را به سلامت طی کرده است و به اوج و قلّه ی دانایی و درک و دریافت و عارفانه ی دیگر به خودشناسی دست یافته است و صادقانه رؤیاهای انسان را حقیقت نفسی می کند و ناخودآگاه انسان را با خودآگاه او می آمیزد.

او تاریخ کودکی قدیم انسان را در برخورد با پدیده ها به تصویر آشکار، به صورت اساطیری و نمادین دوباره کشف کرد و جلوه ای ویژه از آینه ی ناخودآگاه و خودآگاه را به تصویر درآورد.

در برخی از اشعار فروغ باید از توقّف در سطح و ظاهر کلام پرهیزیم و ورای

---

(۱) در غروبی ابدی، ص ۱۷۸.

ظاهر در مفهوم رمزی شان دقیق شویم و سرمعنی را بجویم .  
 " بسیاری از حکما و مشایخ صوفیه ی ما تعلیم داده اند که پاییند لفظ و ظاهر  
 نباید ماند و به لفظ و ظاهر لفظ ، نباید دل بسته و نباید قانع و خرسند گشت تا بتوان  
 به ادراک لطایف و اسرار آن راه یافت " ۱ .

نگاه او به آفریده ها و پدیده های پیرامون خود با شگفتی و تحسینی چون  
 انسان قلم همراه است . با ستایش خورشید و ماه و ستاره و همه ی پدیده های مؤثر  
 و حیاتی زندگی بشر ، خالق آن را می ستاید . به عبارتی ساخته را تحسین می کند  
 تا سازنده . هنر خدا را ستاید . او از این که انسان ها این قدر بی تفاوت و  
 قدرشناس به هویت انسان خود ، روزگار را به سر می رسانند ، اندوهگین و  
 غمگین است ؛ به نظر او خود آگاه انسان امروز به دلیل انضباط های تصنعی از  
 ناخود آگاه او دور افتاده است . در بیان شفای انسان بی تفاوت معاصر باید خود آگاه  
 او را با ناخود آگاهی آشتی داد  
 فروغ در شعر "ایمان بیاوریم به آغاز سرد" روحی بزرگ و متعالی است  
 که در کالبد کوچک خود جای نمی گیرد ، و براساس و از صمیم قلب می خواهد  
 مرگ را تجربه کند تا برهد ، زیرا صورت مثالی به او چهره می شود .  
 به اعتقاد یونگ روانکاو مشهور ، اگر صورت مرئی برآید ، چهره و مستولی  
 شود (inflation) ، بیم آن می رود که وی افرای در آید .

امید است که دوستان شعر فروغ از خواندن این مجموعه بهره مند شوند ،  
 و این نوشته ی از سرارادت به شعر و ادب زبان فارسی دریچه ای تازه باشد برای  
 شناخت بهتر اشعار فروغ عزیز .

زهرا حسینی

۸۴/۱۰/۱۵